

در ایران در مقایسه حقوق منعی و حقوق جزا، نمی‌توان این واقعیت تلخ را منکر شد که نه تنها در راه تدوین حقوق تجارت که قانون تجارت نماد آن است، بهره‌های وافر از منابع فقهی شیعی برده نشده است، که از منابع غیر آن به تناسب نیاز جامعه نیز استفاده نگردیده است. برای درستی این مطلب می‌توان به تدوین قانون تجارت ایران مصوب سیزدهم اردیبهشت سال ۱۳۱۱ اشاره کرد. این قانون، بازتاب قسمتی از قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه است. (اسکینی، ۱۳۷۸: ۲۰) با وجود آنکه قانون تجارت فرانسه بین سالهای ۱۸۰۷ تا ۱۹۲۳ بارها مورد بازبینی قرار گرفته است تا آنجا که در حال حاضر حدود ۳۳ ماده از آن باقی است (۱۳۷۸: ۱۲) اما قانون تجارت ایران از سال ۱۳۱۱ تاکنون اصلاح نشده است. گرچه لایحه راجع به شرکتها سهامی عام و خاص، مواد ۲۰ تا ۹۴ قانون تجارت در مورد شرکت سهامی را تغییر داده است اما این قانون آزمایش است که توسط کمیسیون مشترک مجلسین شورا مل و سنا به تصویب رسیده و می‌بایست پس از دوره آزمایشی، صورت قانون به خود گیرد (۱۳۷۸: ۲۲) لیکن پس از حدود سی و پنج سال این امر محقق نشده است. به هر رو روش قانونگذار بر این قرار گرفته است که قوانین ضرور در قالب متونخاص و خارج از قانون تجارت به تصویب برسد. (۱۳۷۸: ۲۱)

برخوردار است و کسی نمی‌تواند مفید بودن آن را به یکباره منکر شود و چنین انکاری جز گزاف گویی نخواهد بود؛ اما باید به این نکته توجه نمود که گرچه تأخیر در انجام امور، موجب بروز آفات است (و فی التأخیر آفات) لیکن گاه باید مدت زمانی بگذرد تا پس از مطالعات فراوان و اندوخته‌های علمی زیاد، اندک اندک پاره کاغذی به درسی، مطالب درس به جزوهای و وجیزهای به کتابی گراید. در این گونه موارد، گذشت زمان، خود، موضوعیت دارد که در امور مهم، سالکان طریق به این دقایق نظر دارند، چنان که ملای رومی در سبب تأخیر دفتر دوم مثنوی چنین می‌سراید:

مندی بایست تا خون شیر شد

مدتی این مثنوی تأخیر شد

سرمنشأ شماری از کاستیهای این کتاب، کم توجهی به این نکته است و شاید تأکید یکی از دیباچه نویسان بر جوان بودن مؤلفان، بی‌سبب نباشد (ص ۱۹). آری، از نظرگاه دیگری دیدن، حسن و شجاعتی را بیانگر است که "تا در آب نیوفتی، شناگری کی دانی". بر این دو مدعا باید گواه داشت که مدعی بی‌دلیل، چشم بسته‌ای بی‌عصا است. امید آن که مطالب آتی، گواهانی صلاح و هویا در این باره باشند.

۲. صرف نظر از دلایل عدم گسترش حقوق تجارت

قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی تألیف آقایان محمد دمرچیلی، علی حاتمی و محسن قرائی با مقدمه دو تن از اساتید بنام حقوق خصوصی، آقایان دکتر ناصر کاتوزیان و دکتر بهروز اخلاقی به بازار کتاب راه یافت و توجه بسیاری از دانشجویان حقوق را به خود جلب کرد. چاپ اول آن به سال ۱۳۸۰ توسط انتشارات خلیج فارس با شمارگان ۵۰۰۰ جلد در (۱۲+۱۶+۹۶۷) = ۹۹۵ صفحه و به ارزش ۴۵۰۰۰ ریال به خوانندگان عرضه شد. پس از حدود یک سال، در تابستان ۱۳۸۱ چاپ دوم (با اصطلاحات و اضافات) با این مشخصات بازار کتاب را به خود مشغول کرد: انتشارات خلیج فارس، شمارگان ۵۰۰۰، ۱۰۲۳ صفحه و به ارزش ۷۰۰۰۰ ریال. این کتاب با شماره ۲۲۵۶۸. ۷۹ م و در رده KMH914 (طبقه بندی براساس کنگره) در کتابخانه ملی ایران به ثبت رسیده است.

از دیرباز نقد و بررسی کتاب به عنوان سنتی نیکو در مجامع علمی مطرح بوده است. مهم‌ترین هدف از نگارش سطور پیچند به عنوان معرفی کتاب حاضر، تأسی به این سنت شایسته است، گرچه ممکن است نکاتی تلخ و شیرین را دربرداشته باشد. ۱. بی‌تردید کتاب حاضر از ویژگیهای خاص خود

مزایا و کاستیهای کتابی در حقوق تجارت

رتال جامع علوم انسانی



○ سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز
عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه مفید

○ قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی
○ محمد دمرچیلی، علی حاتمی و محسن قرائی
○ نشر خلیج فارس
○ ۱۳۸۱، چاپ دوم، ۵۰۰۰ نسخه،
○ ۱۰۲۳ صفحه، ۷۰۰۰۰ ریال



از محاسن این کتاب، آشنا ساختن افراد با کاستیهای قانونگذاری است

طرح دیدگاههای مختلف در کتاب، آن را به اثری پرفایده تبدیل کرده است اما گاه به رغم اشاره مولفان محترم به وجود نظرات متفاوت، تنها از یک نظر یاد شده است، این اشکال در هر دو چاپ کتاب مشاهده می شود

۶- نویسنندگان حقوق تجارت زیر عنوان "ملاک تجاری بودن اعمال تجاری" بحثی مطرح می کنند که معمولاً در شرح ماده ۲ قانون تجارت از آن سخن می گویند. در این باره میان حقوقدانان اختلاف وجود دارد. با توجه به مواد ۲ و ۳ قانون تجارت، قانونگذار به ترتیب ملاک موضوعی و شخصی را مدنظر دارد. (اسکینی، ۱۳۷۸، ۵۸ - ۵۷ و ۱۲۲ - ۱۱۹ و ستوده تهرانی، ۱۳۷۶، ۴۵ - ۴۴)

نکته مهم آن است که فارغ از این مسأله، باید بررسی شود از نظر قانونگذار "قصد انتفاع و جلب منفعت" چه نقشی در تجاری بودن اعمال تجاری دارد؟ مؤلفان محترم ذیل ماده ۲ قانون تجارت، در بند "ج" حاشیه ۵/۲/۳ آورده اند: "سوی شرط مطرح در بند ۴ ماده ۲ ق. ت. (برای رفع حوائج شخصی نبودن) مانند همه اعمال تجاری دیگر، وجود قصد انتفاع نیز ضروری است." (ص ۴۲)

به نظر می رسد این ملاک در قانون موقتی محاکم تجارت (مصوب ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ برابر با ۱۵ سرطان ۱۳۹۴) مدنظر قانونگذار بوده است. ماده ۲۳ این قانون مقرر می داشت: "معاملات تجاری عبارت از نقل و انتقالی است که غرض از آن، انتفاع باشد." یکی از نویسندگان حقوق تجارت در این باره آورده است: "به موجب این نظریه کلاسیک [جست و جوی سود] که در قرن گذشته مطرح شده است حقوق تجارت حقوق و

عقاید را به دست آورده و به تناسب، ذیل مواد قرار دهند. آری، با مرور اجمالی بر کتاب این اشکال به ذهن می رسد که گاه ذیل ماده ای چند صفحه مطلب آمده است و گاه از حدود ۱۰ ماده متوالی بدون ذکر نکته ای گذر شده است (ص ۲۸۶ تا ۲۹۰، مواد ۲۸۸ تا ۲۹۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت) اما نباید این ایراد را متوجه تنوین کنندگان کتاب دانست؛ چرا که ممکن است در این گونه موارد حقوقدانان طرح مطالبی را ضروری ندیده اند، و یا کم توجهی به حقوق تجارت در ایران باعث شده ذیل یکایک مواد آرا و نظاری مطرح شده باشد.

۵- از برجستگیهای چاپ دوم این کتاب، اضافاتی است که تنوین کنندگان در مقدمه چاپ دوم به آن اشاره دارند؛ از قبیل: شرح قانون شرکتهای تعاونی (ص ۳۴۶ تا ۳۹۴) و قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (ص ۳۹۴ تا ۴۳۶).

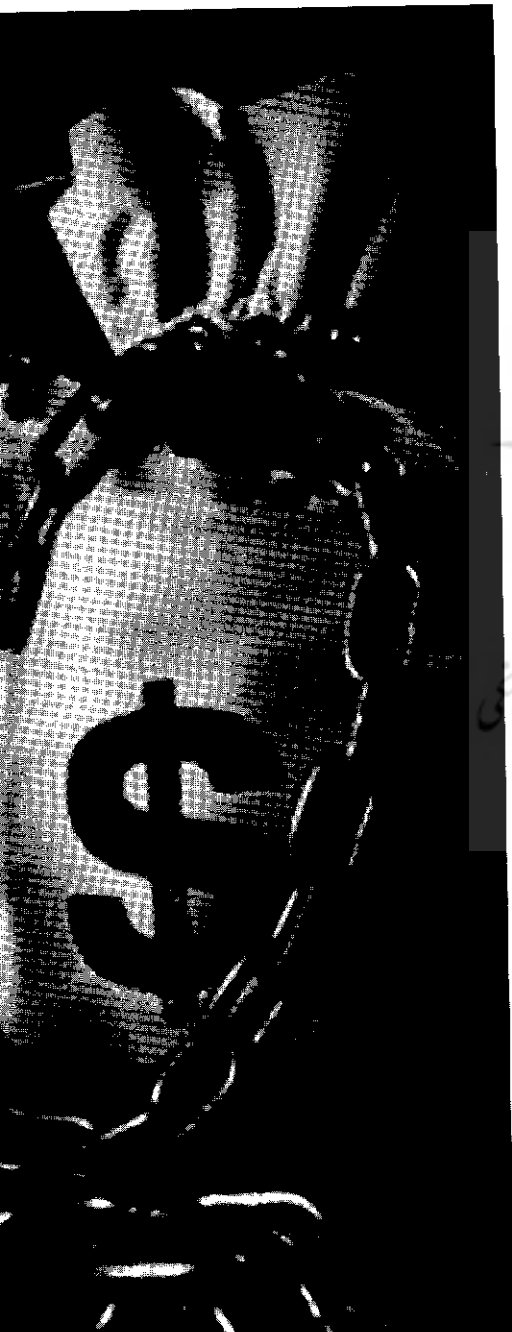
گذشته از ذکر امور فوق که بیانگر زیندگی کتاب به نکاتی نیکو است نمی توان از بیان برخی اشکالاتی که به نظر می رسد چشم پوشید. در ادامه تلاش بر آن است چند مورد را بیان کرد، بدان جهت که مؤلفان به آنها درنگرند و چنانچه آنها را ثواب یافتند، در چاپهای بعد کتاب را اصلاح نمایند. در این مورد، دآوری با خوانندگان فرزانه است.

یکی از محاسن این کتاب، آشنا ساختن افراد با کاستیهای قانونگذاری است؛ مواردی که گرچه ممکن است از قواعد عام، تکلیف را مشخص نموده، اما به جهت اهمیت تصریح به آنها لازم است. (برای نمونه: ص ۳۰۹، حاشیه ۵، ذیل ماده ۱۰۵، در مورد حدود اختیارات مدیران در صورت تعدد آنها؛ ص ۳۱۸، حاشیه ۲، ذیل ماده ۱۱۹ در مورد شرط محرومیت یکی از شرکا از بردن سود.)

۳- ارتباط مواد با یکدیگر، تفسیر برخی با توجه به بعضی مواد دیگر یکی از مشکلات موجود در راه فهم قوانین است؛ لذا اساتید فن در کلاسهای خود می کوشند با بیان ارتباط مواد با یکدیگر، دانشجویان را از این مشکل برهانند. در این کتاب چنین تلاشی، بسیار به چشم می خورد. (برای نمونه: ص ۱۴۰، ذیل ماده ۵۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛ ص ۲۰۸، حاشیه ۱، ذیل ماده ۱۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت؛ ص ۳۳۵، حاشیه ۲، ذیل ماده ۱۴۹؛ ص ۷۲۹، حاشیه ۳، ذیل ماده ۳۹۶)

۴- گاه به دست آوردن مراد قانونگذار و رفع اجمال و نارساییهای قوانین از طریق مراجعه به دکتربینهای حقوقی میسر است. این دیدگاهها در کتابها، مجلات و گاه رساله های تحصیلی یافت می شود. با نگاهی اجمالی به فهرست منابع و مآخذ کتاب می توان ملاحظه کرد تدوین کنندگان کوشیده اند تا از منابع معتبری، این

**گاه رایی به صاحب نظر
و مولفی نسبت داده شده
ولی با مراجعه به منبع اصلی،
مشخص می شود
انتساب صحیح نبوده است**



در حاشیه ۳ ماده ۴۸۶ نسبت به "قابلیت تجدید نظر تصمیم دادگاه راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی" آمده است: "درباره اینکه آیا تصمیم دادگاه در خصوص قرارداد ارفاقی قابل تجدید نظر هست یا نه، بین صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد که به شرح ذیل اجمالاً طرح می‌کنیم". (ص ۱۷۹۱) پس از آن تنها نظر اداره حقوقی و برداشتی از بند "ب" ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عام آمده است که هر دو، قابلیت پژوهش خواهی نظر دادگاه را بیان می‌کند. این اشکال در هر دو چاپ کتاب مشاهده می‌شود؛ البته در چاپ دوم تنها به حذف عدد (۱) افدام شده است؛ اما با حذف عدد، اشکال برطرف نمی‌شود.

۹- همان گونه که گذشت، بیان دیدگاههای حقوقدانان، به دانشجویان و دانش پژوهان در فهم و تفسیر قوانین کمک شایانی می‌کند. از سوی دیگر ساعیان این طریق باید بسیار نکته بین و دقیق باشند تا در این راه مرتکب لغزش نشوند.

یکی از مباحث مورد اختلاف در حقوق تجارت، وضعیت "معاملات غیر منقول" است که آیا تجارتي تلقی می‌شوند یا خیر؟ (اسکینی، ۱۳۷۸، ۷۰-۶۸ و ستوده تهرانی، ۱۳۷۶، ۶۰-۵۹) پس از تصویب لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون تجارت به سال ۱۳۴۷، با توجه به ماده ۲ این لایحه که مقرر می‌دارد: "شرکت سهامی، شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد". این پرسش مطرح گردید که وضعیت معاملات غیر منقول شرکتهای سهامی چیست؟ مؤلفانی که آثار خود را پس از تصویب لایحه به چاپ رسانده‌اند، نوعاً به این پرسش پاسخ داده‌اند؛ از جمله آنها دکتر ربیعا اسکینی در کتاب حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سزا ماندگی فعالیت تجاری این مسأله را طرح نموده است. (۱۳۷۸، ۷۰-۶۸)

تولین کنندگان محترم کتاب، نظر ایشان را در حاشیه ۲ ذیل ماده ۴ قانون تجارت آورده‌اند، این نقل و قول در اینجا آورده می‌شود و سپس با مراجعه مستقیم به منبع مورد استناد، مقایسه‌ای صورت می‌گیرد.

حاشیه ۲ ماده ۴ قانون تجارت چنین است: "تنها استثنایی که برای غیر تجاری بودن معاملات غیر منقول وجود دارد، ماده ۵ قانون تملک آپارتمانهاست که به موجب آن: انواع شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسبه به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود، از انجام سایر معاملات بازرگانی غیرمرتبط به کارهای ساختمانی، ممنوعند." به موجب ماده مزبور برخی معاملات راجع به اموال غیرمنقول تجاری اند. البته در ماده ۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ معاملات اموال غیر منقول

فعالیت‌هایی است که هدف از آنها کسب منفعت است. (اسکینی، ۱۳۷۸، ۱۲۰) وی در پی نویسنده تصریح می‌کند: "این ماده مصداق بارز نظریه کلاسیک است که چنانکه می‌دانیم، قانونگذار با وضع قانون تجارت ۱۳۱۱ و پیش از آن با وضع قانون تجارت ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ آن را کنار گذاشته است." (همان، ۱۲۰)

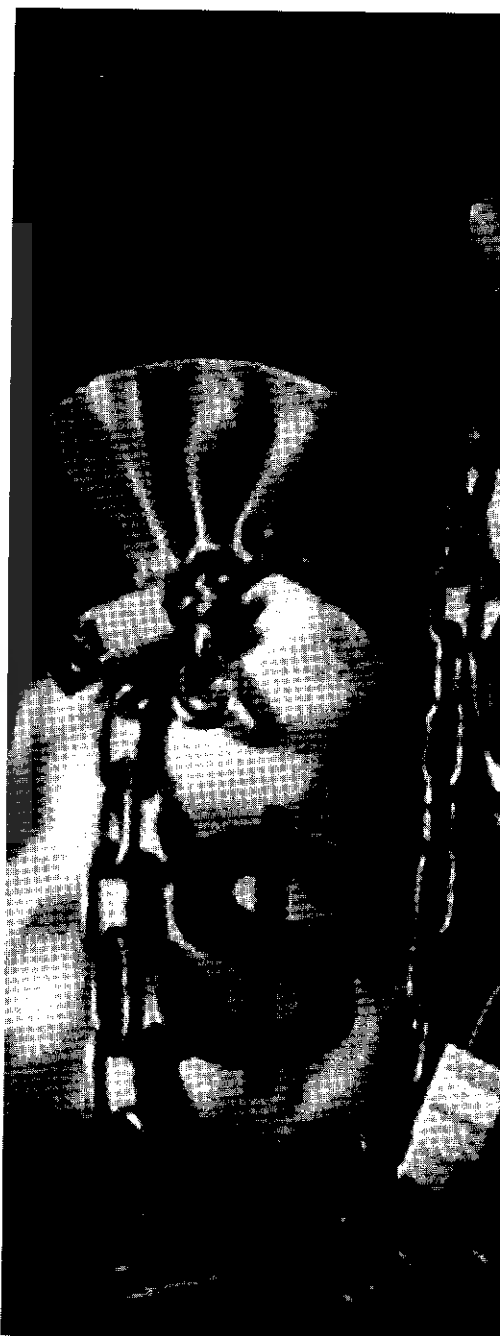
۷- مؤلفان حقوق تجارت در تقسیم بندی عملیات تجاری اختلاف نظر دارند. برخی عملیات تجاری را به سه گروه "عملیات تجاری ذاتی یا مطلق"، "عملیات تجاری به حکم قانون" و "عملیات تجاری تبعی یا نسبی" تقسیم کرده و گروه اول را به دو دسته "عملیاتی که اصولاً تجاری هستند" و "عملیاتی که به وسیله مؤسسات انجام می‌گیرند" تقسیم می‌کنند. (ستوده تهرانی، ۱۳۷۶، ۴۵-۴۳) بعضی دیگر برآنند که عملیات تجاری به دو گروه "معاملات تجاری ذاتی" و "اعمال تجاری تبعی" دسته بندی می‌شوند. (اسکینی، ۱۳۷۸، ۵۹ و ۱۰۷) بنا بر تقسیم بندی اول، ماده ۲ قانون تجارت از عملیات تجاری ذاتی و حکمی سخن می‌گوید و طبق دسته بندی دوم، ماده مذکور در بردارنده معاملات تجاری ذاتی است.

تولین کنندگان محترم کتاب، ذیل ماده ۲ قانون تجارت تلاش داشته‌اند مطالب مطرح در این ماده را دسته بندی نموده و برای این منظور، در حاشیه ۵ انواع "عملیات تجاری ذاتی" را بیان کرده‌اند. زیر این عنوان، ۵/۱ به "عملیاتی که اصولاً تجاری هستند"، ۵/۲ به "عملیاتی که به وسیله مؤسسات انجام می‌شوند" و ۵/۳ به "عملیات تجاری حکمی" اختصاص داده شده است. (ص ۳۹ تا ۴۴)

با توجه به دو تقسیم بندی بیان شده، ملاحظه می‌شود طبق تقسیم بندی اول، این اشکال منطقی وجود دارد که قسیم به عنوان یکی از اقسام آمده است؛ یعنی عملیات تجاری حکمی، به عنوان زیر گروه "عملیات تجاری ذاتی" قرار گرفته، در حالی که عملیات تجاری حکمی در برابر عملیات تجاری ذاتی است. از سوی دیگر بنا بر تقسیم بندی دوم، اصولاً عملیات تجاری حکمی مفهومی ندارد. این دسته از مؤلفان حقوق تجارت عملیات تجارت ذاتی را به ۵ دسته "معاملات پرواتی"، "عملیات توزیعی"، "عملیات تجاری تولیدی"، "عملیات خدماتی" و "معاملات دریایی" تقسیم بندی کرده‌اند. (۱۳۷۸: ۹۳-۵۹)

۸- طرح دیدگاههای مختلف در کتاب حاضر، آن را به اثری پرفایده تبدیل کرده است. برای نمونه می‌توان از حواشی ذیل ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت (ص ۱۷۹) و ماده ۱۰۱ قانون تجارت (ص ۳۰۳) و ماده ۳۴۹ (ص ۵۱۹) یاد کرد؛ با وجود این در برخی موارد به رغم اشاره مؤلفان محترم به وجود نظرات متفاوت، تنها از یک نظر یاد شده است.

کم توجهی به حقوق تجارت در ایران باعث شده ذیل یکایک مواد قانون تجارت، آرا و انتظاری مطرح نشده باشد



توسط شرکتهای سهامی، به تبع شرکته اعمال تجاری محسوب شده‌اند.

در پایان این متن مأخذ مورد استفاده چنین ذکر شده است: (دکتر اسکینی، منبع اخیر الذکر، ص ۶۸ - ۶۹). مقصود از منبع اخیر الذکر، کتاب حقوق تجارت - کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری است. (ص ۴۶)

در منبع مورد اشاره چنین آمده است: "استثنایی که بر این اصل وجود دارد معاملات غیر منقول شرکتهایی است که به منظور ساخت و فروش آپارتمان ایجاد شده‌اند. به موجب ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها (مصوب سال ۱۳۴۳): "انواع شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب، به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود، از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مرتبط به کارهای ساختمانی ممنوعند." معاملات غیر منقول مندرج در این ماده ذاتاً تجاری است نه تبعاً یعنی به تبع تاجر بودن شرکتهای تجاری که برای انجام دادن آنها تشکیل می‌شود، تجارتی تلقی نمی‌شود. به عکس، معاملات غیر منقول شرکتهای غیر شرکتهای مندرج در ماده ۵ قانون مذکور تجاری نیست حتی اگر شرکتی از نوع شرکت سهامی باشد. در واقع، اگر چه شرکت سهامی می‌تواند برای امور غیر تجاری نیز تشکیل شود (ماده ۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷)، معاملات غیر منقول این شرکتهای تجاری محسوب نمی‌شود، مگر آنکه شرکت برای انجام دادن امور مندرج در ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها ایجاد شده باشد که دارای وضع حقوقی خاصی است." (۱۳۷۸: ۷۰ - ۶۸)

با مقایسه آنچه که ذیل ماده ۲ قانون تجارت در حاشیه ۲ آمده با متن منبع مورد استناد ملاحظه می‌شود، استناد این نظر که "معاملات اموال غیر منقول توسط شرکتهای سهامی، به تبع شرکته اعمال تجاری تبعی محسوب می‌شوند" به مؤلف منبع مورد استناد نادرست است. برای آنکه این ایراد کاملاً روشن شود، به ناچار توضیح زیر ارائه می‌گردد:

شرکتهای سهامی با توجه به موضوعشان دو قسمند: ۱ - شرکتهای سهامی که موضوع آنها همان مورد ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها است (غیر منقول) ۲ - شرکتهایی که موضوع آنها، غیر منقول نیست. نسبت به دسته اول، استناد تدوین کنندگان کتاب با اندکی اغماض بی‌اشکال است ولی نسبت به دسته دوم یعنی معاملات غیر منقول شرکتهای سهامی که موضوعشان غیر منقول نیست، نادرست است.

این اشکال در چاپ اول کتاب مشاهده می‌شود و انتظار آن بود که در چاپ دوم این ایراد برطرف گردد ولی چنین انتظاری محقق نشد.

۱۰- تدوین کنندگان در بند ۱ مقدمه چاپ دوم از

اصلاح غلطهای تایپی که بارها توسط اشخاص به آنان تذکر داده شده، خبر داده‌اند. (ص ۱۷) مقایسه‌ای گذرا میان چاپ اول و دوم تا حدی این ادعا را به اثبات می‌رساند. برای نمونه در چاپ اول بند ۳ ماده ۲ (ص ۶)، ماده ۴۹۳ (ص ۷۲۹)، ماده ۵۰۳ (ص ۷۳۲) و ماده ۵۵۴ (ص ۷۵۸) از قانون تجارت بازمینی شده و در چاپ دوم به ترتیب در صفحات ۳۹، ۷۹۶، ۷۹۸، ۸۲۸ اصلاح گردیده است.

در برخی موارد غلطهای تایپی اصلاح نشده است. برای نمونه در چاپ اول ذیل ماده ۸۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، شماره ماده ۸۷ به اشتباه ۷۸ ذکر شده است. (ص ۱۱۴) که همین اشتباه در چاپ دوم تکرار گردیده. (ص ۱۵۴) لازم به ذکر است ماده ۷۸ لایحه قسمتی از قانون تجارت درباره ارزیابی آورده‌های غیر نقدی توسط مجمع عمومی است و اصلاً ارتباطی به ماده ۸۷ لایحه ندارد.

در موردی هم به نظر می‌رسد آنچه در چاپ اول صحیح بوده است در چاپ دوم اشتباه تایپ شده است. در شرح مواد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت عنوان بالای صفحه‌ها در چاپ اول، "لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت" آورده شده. (ص ۲۳۳ - ۶۶) اما در چاپ دوم، این عنوان به "لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت" تغییر یافته. (ص ۲۹۱ - ۹۸)

در وهله اول ممکن است به نظر رسد عنوان تغییر یافته در چاپ دوم صحیح باشد ولی تدوین کنندگان در چاپ اول (ص ۶۵) و در چاپ دوم (ص ۹۵) مطابق ارجاعی که به روزنامه رسمی داده‌اند عنوان قانون لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت آورده شده و نیز آنان در پی نوشت چاپ اول و دوم در همان صفحات همین عنوان را ذکر کرده‌اند. لوح فشرده مشتمل بر متن قوانین با نام "لوح قانون" - تهیه شده توسط مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی (نسخه ۱/۴) - مؤید آن است که عنوان "لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد تجارت" صحیح است نه عنوان "لایحه قانونی اصلاحی قسمتی از مواد تجارت". البته واژه "قانون" در هر دو چاپ در عنوان بالای صفحات کتاب وجود ندارد.

پی نوشت:

۱ - جناب آقای دکتر اخلاقی در دیباچه خود بر این کتاب آورده است: "بر خلاف قانون مدنی، نویسندگان قانون تجارت، هم شکل و هم محتوا را از حقوق اروپایی آن زمان اقتباس نموده‌اند؛ لذا از همان ابتدا به صورت وصله‌ای ناهمگون بر پیکر حقوق کشورمان جلوه‌گر شد." (ص ۲۳)

منابع:

۱ - اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۸). حقوق تجارت. کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری. تهران: سمت.
۲ - ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۷۶). حقوق تجارت ج ۱، با تجدید نظر. چاپ سوم، تهران: نشر دادگستر.